



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است. برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

حیات

حیات مقابل **مَمات** است. از آن به مناسبت در بسیاری از ابواب **فقه** نظیر **طهارت**، **حج**، **وصیت**، **نکاح**، **استیلا**، **اطعمه** و **اشربه**، **ارث** و **دیات** سخن رفته است.

فهرست مندرجات

- ۱ - معنی حیات
- ۲ - اهمیت حفظ حیات
- ۳ - اشتراط حیات در مجتهد
- ۴ - نیابت از زنده
- ۵ - حیات نوزاد
- ۶ - حیات غایب
- ۷ - دیگر احکام
- ۸ - مقالات مرتبط
- ۹ - پانویس
- ۱۰ - منبع

معنی حیات

حیات به معنی زیست، **زنده** بودن و مقابل **مَمات** می‌باشد.

اهمیت حفظ حیات

حفظ حیات خود و هر نفس محترمی **واجب** و زیان رساندن به آن **حرام** است. در قرآن کریم از خودکشی^[۱] و قتل هر نفس محترمی،^{[۲][۳]} بلکه در معرض **هلاکت** قرار دادن آن، **نهی** و **نکوهش**^[۴] و **فلسفه تشریح حکم قصاص**، بقای حیات انسانها ذکر شده است.^[۵] حیات آدمی از چنان اهمیتی برخوردار است که هرگاه ترک **حرام** یا فعل **واجبی** با آن تراحم پیدا کند برای حفظ حیات، **ارتکاب حرام** و ترک **واجب مشروعیت** می‌یابد، مانند مشروعیت خوردن یا نوشیدن آنچه در **شرع حرام** است در حال **اضطرار**^[۶] و ترک **حج** در صورت بیم بر **جان** خود یا نفس محترمی دیگر.^{[۷][۸][۹]}

اشتراط حیات در مجتهد

از شرایط **مجتهد** در **تقلید** ابتدایی بنا بر **مشهور زنده** بودن او است؛ لیکن در **جواز بقا** بر تقلید مجتهد پس از **مرگ** وی اختلاف است؛ بسیاری آن را **جایز** دانسته‌اند.^{[۱۰][۱۱][۱۲]}

نیابت از زنده

نیابت از **مکلف زنده** در **واجبات**، از قبیل **نماز** و **روزه**- **حتی** در فرض ناتوانی او در به جا آوردن آنها- صحیح نیست.^[۱۳] مگر **حج** که در صورت **استقرار** آن بر **ذمه** و عدم توانایی مکلف بر انجام دادن آن و یأس از برطرف شدن **عذر** تا آخر عمر، فردی دیگر می‌تواند آن را به نیابت وی انجام دهد. و چنانچه پس از انجام دادن نایب، عذر مکلف برطرف شود بنا بر **مشهور واجب** است خود، آن را به جا آورد.^{[۱۴][۱۵]} نیابت از فرد زنده در مستحباتی که نیابت پذیرند و مباشرت در آنها شرط نیست، صحیح است.^{[۱۶][۱۷]}

حیات نوزاد

از نشانه‌های حیات **نوزاد** گریه کردن او پس از **تولد** است. نوزادی که زنده متولد شده است، هرچند بعد از آن بمیرد از **مورث** خود **ارث** می‌برد.^[۱۸] **وصیت** برای **جنین** در شکم **مادر** صحیح است؛ لیکن استقرار آن منوط به زنده متولد شدن او است.^[۱۹] بنا بر قول منسوب به مشهور بر کودکی که زنده متولد شده سپس مرده است خواندن **نماز میت مستحب** است.^[۲۰] از شرایط آزاد شدن **امر و لَد** پس از **مرگ** مولا این است که فرزند وی تا زمان مرگ مولا **زنده** باشد.^[۲۱]

حیات غایب

غایبی که معلوم نیست زنده است یا **مرده**، نزدیکان او بنا بر **مشهور** از وی **ارث** نمی‌برند، مگر آنکه مرگش با **بینه** یا **خبر علم‌آور** ثابت گردد، یا متناسب با **سن**

دیگر احکام

تذکیه ماهی به زنده گرفتن آن از آب است؛ [۲۳] از این رو، خوردن ماهی زنده پس از گرفتن آن از آب بنا بر مشهور جایز است؛ چون تذکیه محقق شده است. [۲۴] همچنین تذکیه ملخ به زنده گرفتن آن است. [۲۵] شرط تحقق ذبح، زنده بودن ذبیحه هنگام ذبح است و در موارد مشتبه بودن حیات، چنانچه پس از ذبح حرکتی که گویای حیات باشد- مانند برهم زدن چشمها- از حیوان سر بزند، حکم به زنده بودن آن می‌شود. هرچند بسیاری هنگام ذبح استقرار حیات را شرط دانسته‌اند. [۲۶]

رضاع در صورتی موجب محرمیت می‌شود که کودک به مقداری که موجب محرمیت می‌گردد از زن زنده شیر بخورد. [۲۷]

بنا بر قول برخی در ثبوت ولایت جدّ پدري بر باکره در عقد ازدواج، زنده بودن پدر شرط است؛ لیکن معروف میان فقها عدم اشتراط آن است. [۲۸]

مقالات مرتبط

- حیات طیبه
- حیات در قرآن و حدیث
- حیات در فلسفه

پانویس

- ↑ النساء/۴، آیه ۲۹.
- ↑ الاسراء/۱۷، آیه ۲۸۵.
- ↑ النساء/۴، آیه ۹۳.
- ↑ البقرة/۱، آیه ۹۵.
- ↑ البقرة/۱، آیه ۱۷۹.
- ↑ جواهر الكلام ج ۲۶، ص ۴۳۱-۴۳۲.
- ↑ جواهر الكلام ج ۱۷، ص ۲۹۱.
- ↑ جواهر الكلام ج ۱۷، ص ۲۹۴.
- ↑ العروة الوثقی ج ۴، ص ۴۱۷-۴۱۸.
- ↑ العروة الوثقی ج ۱، ص ۱۷.
- ↑ العروة الوثقی ج ۱، ص ۲۶.
- ↑ التنقیح (الإجتهد والتقلید) ص ۹۵.
- ↑ العروة الوثقی ج ۲، ص ۷۳.
- ↑ العروة الوثقی ج ۲، ص ۷۶.
- ↑ مستمسک العروة ج ۱۰، ص ۱۹۱.
- ↑ العروة الوثقی ج ۳، ص ۷۶.
- ↑ مستمسک العروة ج ۷، ص ۱۰۹-۱۱۰.
- ↑ جواهر الكلام ج ۲۹، ص ۷۰.
- ↑ جواهر الكلام ج ۲۸، ص ۲۸۷.
- ↑ مستمسک العروة ج ۴، ص ۲۱۴.
- ↑ جواهر الكلام ج ۲۴، ص ۳۷۹.
- ↑ جواهر الكلام ج ۲۹، ص ۶۳.
- ↑ جواهر الكلام ج ۳۶، ص ۱۶۳.
- ↑ جواهر الكلام ج ۳۶، ص ۱۷۰.
- ↑ جواهر الكلام ج ۲۶، ص ۱۷۵.
- ↑ جواهر الكلام ج ۲۶، ص ۱۴۱-۱۵۳.
- ↑ توضیح المسائل مراجع ج ۲، ص ۵۰۶، م ۲۴۷۴.
- ↑ جواهر الكلام ج ۲۹، ص ۱۷۱-۱۷۲.

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۳، ص ۳۸۸-۳۹۰.